گام به گام با رد پای بن لادن

ادامه از صفحه ۷

عملیات تجسس و پیگیری منجر به دستگیری و محکومیت دو نفر شد که مظنون به داشتن رابطه با بن لادن بودند. این دو عبارت بودند از: شیخ عمر عبدالرحمان و رمزی یوسف که طراحی و هدایت بمب گذاری مرکز تجارت جهانی را انجام داده بود. البته در آن زمان بن لادن آشنایی و رابطه خود با رمزی یوسف را رد کرد و گفت: «من رمزی یوسف را نمی شناسم و آنچه که دولت آمریکا گفته است به هیچ وجه درست نیست.» اما پیتر برگن تحلیلگر امور تروریستی در سی ان ان می گوید: «بن لادن آشنایی با رمزی یوسف را انکار کرد ولی در معنای اعم بدون شک مسئولیت این عملیات متوجه بن لادن بود زیرا رمزی یوسف در اردوگاه آموزشی القاعده آموزش دیده بود و شیخ محمد عموی رمزی یوسف کسی بود که در سال ۹۶ نزد بن لادن رفت و این زمانی بود که القاعده برنامه ریزی برای عملیات ۱۱ سپتامبر را به تازگی آغاز کرده بود.» بن لادن شاید بتواند آشنایی و ارتباط با رمزی یوسف را انکار کند ولی هیچ کس نفوذ عمر عبدالرحمان را که یک روحانی تندرو مصری بود و در مسجدی در آن سوی مرکز تجارت جهانی به تبلیغ مشغول بود رد نمی کند. عبدالرحمان معروف به شیخ نابینا رهبری معنوی بمب گذاران مرکز تجارت جهانی را به عهده داشت و در نهایت به نیروی مذهبی پشت القاعده تبدیل شد. پیتر برگن نیز معتقد است که با توجه به نفوذ بسیار زیاد معنوی و شخصی مصری ها بر بن لادن و القاعده می توان گفت که رهبری معنوی القاعده با شیخ عبدالرحمان بود. رابطه بن لادن با شبه نظامیان مصری اطرافش به ویژه ایمن الظواهری در سودان تحکیم شد. روزنامه نگار جمال قاشقچی در طی این دوره چند بار موفق به دیدار با بن لادن شد. قاشقچی با اشاره به تاثیر مبارزان مصری روی بن لادن می گوید: «من حضور مصری های تندرو در اطراف بن لادن را احساس کردم. آنها در آنجا حضور فیزیکی داشتند. آنها با من قاطی نمی شدند. ما در باغ بر روی زمین می نشستیم و صحبت می کردیم. هر از گاهی مشاهده می کردم که یکی می آید و چیزی در گوش او نجوا می کند. من نمی فهمیدم که آنها چه می گفتند ولی لهجه مصری آنها کاملاً پیدا بود.» قاشقچی در مورد چگونگی متحول شدن بن لادن می گوید: «من در سودان با دو اسامه مواجه شدم. در ابتدا اسامه ای که تندرو و خشمگین بود. او از دولت سعودی خشمگین بود و می کوشید نقش سیاسی بازی کند و به روشی انقلابی اوضاع را در عربستان تغییر دهد. اما یک سال بعد به ویژه در ۱۹۹۵ شاهد یک اسامه رام تر و معتدل تر بودم. حتی او نسبت به برخی از اظهارات تندش درباره حکومت سعودی ابراز تاسف می کرد. در آن زمان به نظرم رسید که او می خواهد به کشورش برگردد. فکر می کنم او در درون خودش درگیر یک جنگ و کشمکش بود، جنگ میان تربیت دوران کودکی و نوجوانی اش به عنوان یک مسلمان میانه رو و شخصیتی که در جریان اتحاد با مصریان تندرو پیدا کرده بود. او نمی توانست میان این دو یکی را انتخاب کند.» به گفته قاشقچی او نمی توانست مسیر حوادث را انتخاب کند بنابراین اجازه داد که حوادث مسیر او را تعیین کند. تا سال ۱۹۹۵ حکومت سعودی اموال بن لادن را بلوکه و تابعیت او را لغو کرده بود. رابطه او با خانواده اش به طور رسمی و علنی قطع شده بود ولی چندین بار تماس هایی خصوصی صورت گرفت تا او را به بازگشت به عربستان متقاعد کنند. بن لادن می گوید: «آنها نزدیک به نه بار برادرانم، مادرم و عمویم را برای دیدنم به خارطوم فرستادند و از من خواستند که فعالیت هایم را متوقف کنم و به عربستان سعودی بازگردم و از ملک فهد عذرخواهی کنم ولی من به نرمی تقاضایشان را رد کردم.» بن لادن در نامه ای سرگشاده به ملک فهد احساس درونی و واقعی خود را ابراز کرد. در این نامه او با فاسد نامیدن خاندان سعودی، آنها را محکوم کرد. او همچنین فراخوان داد که حملاتی برای وادار کردن نیروهای آمریکایی به ترک عربستان صورت گیرد. سخنان بن لادن گوش شنوا یافت و مدت زمان طولانی از بیانیه او نگذشته بود که تروریست ها با بمب کارگذاشته شده ای در یک اتومبیل، یکی از مراکز نظامی مشترک آمریکا و عربستان در ریاض را هدف حمله قرار دادند. در این انفجار ۵ آمریکایی کشته شدند. خاندان سلطنتی سعودی و دولت کلینتون شواهد کافی برای احساس خطر را در دست داشتند. آنها هر دو بر فشارهای خود بر دولت سودان برای اخراج بن لادن از این کشور افزودند. او در آن زمان بی پول بود و می دانست که شمارش معکوس برای پایان اقامت او در خارطوم آغاز شده است. پیش از این او دست کم از یک سوءقصد از سوی تندروان رقیب جان سالم به در برده بود. بن لادن و پیروانش که اکنون در معرض خطر و فشارها قرار گرفته بودند بار دیگر عزیمت پرواز کردند. در ماه مه ۱۹۹۶ بن لادن بار دیگر به محلی برگشت که جهاد او در آنجا آغاز شده بود یعنی سرزمین فلک زده ای که قرار بود بذر یک حادثه غیرقابل تصور را در خود بپروراند.

■ نخستین هشدار (۱۹۹۸-۱۹۹۶)

کوه های افغانستان را به یاد بیاورید که در آن اسامه بن لادن بیش از هر جای دیگری احساس راحتی و در خانه بودن می کند. این کوه ها مکانی است که هرگاه بن لادن دچار مشکل می شد به آنجا می آمد و در آنجا احساس امنیت می کرد. تا سال ۱۹۹۶ بن لادن فراری و تحت تعقیب بود، تابعیت سعودی خود را از دست داده و از سودان نیز طرد شده بود. او بار دیگر به جلال آباد افغانستان آمد و در پایگاهی که اکنون در اثر جنگ تخریب شده است مستقر شد. از همین جا بود که او با اعلام جنگ به آمریکا، هوادارانش را تحریک کرد. او حامل پیامی خصمانه بود و در گفت وگویی که برای نخستین بار با یک تلویزیون داشت، این پیام را از طریق سی ان ان به جهان ارسال کرد. پیتر آرنت گزارشگر سی ان ان در مارس ۱۹۹۷ در افغانستان با بن لادن دیدار کرد. او می گوید: «با وجود اینکه در آن زمان بن لادن برای مردم آمریکا یا برای جهان خیلی شناخته شده نبود ولی در میان رسانه های خبری رقابت قابل توجهی برای انجام چنین مصاحبه ای وجود داشت.» پیشگام تلاش های سی ان ان پیتر برگن بود که در آن زمان در بخش تولید برنامه فعالیت می کرد. او ماه ها با رابط های بن لادن در لندن مذاکره کرد و سرانجام موفق شد برای گفت وگو با بن لادن عازم جلال آباد شود. تیم فیلمبرداری و تهیه گزارش از طریق پاکستان عازم شهر کوچک جلال آباد شد و در هتل قدیمی اسپینگار انتظار کشید. استراتژی رسانه ای منظم و جالب بن لادن باعث شگفتی تیم خبرنگاران شد. پیتر جووینل نیز که یک عکاس آزاد انگلیسی بود به تیم پیوست. تیم گزارشگران پس از یک صعود از مسیر سنگی و کوهستانی به یک کلبه در بالای کوه ها هدایت شدند و ناگهان بن لادن از میان تاریکی ظاهر شد. در این گفت وگو خبرنگار سی ان ان علت اعلام جهاد به آمریکا را از بن لادن جویا می شود. او در پاسخ می گوید: «ما به این دلیل اعلام جهاد کردیم که حکومت آمریکا یک حکومت ستمگر است.» پیتر آرنت خبرنگار سی ان ان می گوید: «حرف عمده بن لادن پایان دادن به حضور آمریکا در خاورمیانه و به ویژه در عربستان سعودی بود. در کلام او هیچ نشانه ای از سازش نبود. او گفت: همین اکنون که فرصت دارید منطقه را ترک کنید. ما روس ها و نیروهای اتحاد شوروی را منهدم کردیم و اگر شما بخواهید در این اطراف بمانید شما را نیز منهدم می کنیم.» خبرنگار سی ان ان می پرسد: «درباره غیرنظامیان آمریکایی در عربستان یا مردم آمریکا چه می گویید؟» بن لادن پاسخ می دهد: «هدف قرار دادن غیرنظامیان آمریکایی در برنامه ما نیست ولی آنها هم باید آنجا را ترک کنند و ما سلامتی آنان را تضمین نمی کنیم.» بلافاصله پس از گفت وگو بن لادن محل را ترک کرد. او بارها از دل تاریکی بیرون می آمد و خود را ظاهر می کرد و سپس بار دیگر در دل تاریکی شب فرو می رفت و ناپدید می شد و این سبک زندگی او بود. یک سال پس از آنکه بن لادن با سی ان ان گفت وگو کرد، جان میلر خبرنگار ای بی سی نیوز نیز موفق به گفت وگو با بن لادن شد. او در ماه مه ۱۹۹۸ در افغانستان با بن لادن دیدار و گفت وگو کرد. بن لادن با استفاده از رسانه ها پیام و تصویر خود را به جهانیان ارسال می کرد. میلر در توصیف بن لادن می گوید: وقتی بن لادن به جایی می رسد دراستقبال از او شلیک مسلسل وار تیرهای هوایی از همه جا شروع می شود. در اتاقی که گفت وگو صورت گرفت پشت سر بن لادن یک نقشه بزرگ جهان نصب شده بود. به نظرم این نقشه عمداً نصب شده بود تا نشان دهد که القاعده یک سازمان جهانی است. در این گفت وگو بن لادن در پیام خود خطاب به مردم آمریکا می گوید: «بزرگترین تروریست خود آمریکا است. ما میان غیرنظامیان و کسانی که لباس نظامی دارند فرقی قائل نیستیم. همه آنها هدف حملات ما هستند.» اکنون دیگر قرار نبود هیچ کس در امان بماند. در واقع بن لادن از چیزی سخن می گفت که قرار بود آمریکایی ها به زودی آن را درک کنند.

■ اعلام جنگ (۱۹۹۸)

مردان نقابدار القاعده در دل شب آخرین تمرین ها و آمادگی های خود را پشت سر می گذاشتند. روز شد و حادثه اصلی سر رسید. یک اتومبیل اس یو بی که به شدت محافظت می شد ناگهان به شهر خوست افغانستان رسید. شلیک گلوله ها از همه سو آغاز شد. بن لادن خود را برای قرار گرفتن در برابر دوربین ها آماده می کند. این در واقع مراسم مقدماتی اولین و تنها کنفرانس مطبوعاتی بن لادن بوده است. اسماعیل خان روزنامه نگار پاکستانی از شاهدان این صحنه بود. او می گوید: «ناگهان صدای شلیک گلوله و انفجار نارنجک از همه جا به گوش رسید و من حدس زدم که اتفاق مهمی در حال انجام است.» در ۱۶ مه ۱۹۹۸ نوار ویدئویی بن لادن پخش شد که در آن به آمریکا اعلام جنگ شده بود. در این نوار ویدئویی بن لادن می گوید: «به لطف خدا ما به همراهی سایر گروه های اسلامی در کشورهای اسلامی مختلف سازمانی تشکیل داده ایم و جبهه ای به نام جبهه اسلامی به وجود آورده ایم.» در این کنفرانس خبری بن لادن نقشه های القاعده برای حمله به آمریکا را علنی می کند. او می گوید: «یهودیان و مسیحیان به کمک یکدیگر علیه مسلمانان دست به کار شده اند.» بن لادن با این اعلام جنگ وارد یک نقطه عطف مهم شده بود. او دیگر از هدف قرار دادن ارتش یا رهبران آمریکا سخن نمی گفت بلکه می گفت که پس از این مردم آمریکا هدف مشروع حملات القاعده قرار خواهند گرفت. روزنامه نگار حمید میر که در حال تهیه زندگینامه ای مستند از بن لادن است طی دهه ۱۹۹۰ سه بار با بن لادن گفت وگو کرد. او در پاسخ به اینکه بن لادن کشتن مردم آمریکا را چگونه توجیه می کرد، می گوید: «او گفت که بله کشتن مردم و زنان و کودکان بی گناه در اسلام مجاز نیست ولی اگر آنها کودکان بی گناه ما را بکشند، اگر آنها سلاح در اختیار اسرائیلی ها و سایر دشمنان مسلمانان قرار بدهند تا مسلمانان را بکشند در این صورت ما نیز حق داریم مقابله به مثل کنیم.» اگرچه بن لادن باور داشت که برای کشتن غیرنظامیان آمریکایی توجیه سیاسی در دست دارد ولی با این وجود او نیاز به کسب مشروعیت از روحانیان مسلمان داشت. کسب این مشروعیت از طریق صدور فتوا صورت گرفت. این اجازه نامه مذهبی را شیخ عمر عبدالرحمان صادر کرد که یک روحانی نابینای مصری بود و رهبری معنوی بمب گذاری مرکز تجارت جهانی در ۱۹۹۳ را بر عهده داشت. این فتوا در کنفرانس مطبوعاتی بن لادن در اختیار او قرار گرفت، عبدالرحمان از مدتی قبل به اتهام دست داشتن در تروریسم در زندان آمریکا به سر می برد. در این فتوا کشتن آمریکایی ها در زمین و هوا و هر جای دیگر مجاز دانسته شده بود. اهمیت عبدالرحمان برای القاعده تا آنجا بود که آزادسازی او از زندان به شدت ذهن بن لادن را مشغول کرده بود و حتی او در یک نوار ویدئویی وعده داد که تمام تلاش خود را برای آزادی عبدالرحمان از زندان انجام دهد. تمرین برای عملیات آزادسازی عبدالرحمان حتی در دایره المعارف القاعده به نام دایره المعارف جهاد نیز ذکر شده است. این دایره المعارف کتابی پرحجم و متشکل از هزاران صفحه مطلب است که راهنمای القاعده در هر امری به شمار می آید از تاکتیک های جنگی و تروریستی چریک ها گرفته تا شناسایی مار زنگی یا درمان نیش عقرب. این دایره المعارف اطلاعات مربوط به سال ها عضوگیری، اردوگاه های آموزشی، ایدئولوژی جدید و مرگبار القاعده و مهمتر از همه اعلام جنگ رسمی و علنی بن لادن به آمریکا و آمریکایی ها را در بر می گیرد. اکنون او یک بار دیگر با صدای رسا به آمریکایی ها هشدار داده بود ولی باید دید که آیا این حرف ها را گوش شنوایی بود یا خیر؟ آیا کسی بود که هشدار بن لادن را جدی بگیرد؟ بن لادن در آستانه حمله بود و اکنون جاسوس خودش را مامور ردیابی هدف کرده بود. این جاسوس علی محمد نام داشت که سال ها در درون ارتش آمریکا خدمت کرده بود.

■ نخستین حمله (۲۰۰۰-۱۹۹۸)

دو بمب که در دو کامیون کار گذاشته شده بودند منفجر می شوند. دو حمله تروریستی با فاصله ۹ دقیقه از هم دو سفارتخانه آمریکا در دو کشور ساحلی همسایه در آفریقا یعنی کنیا و تانزانیا را هدف قرار می دهند. گری برنستن افسر کهنه کار سیا بی درنگ خود را به دفتر سیا در ویرجینیا رساند. در این حمله بیش از ۲۰۰ تن کشته و بیش از ۲ هزار تن دیگر زخمی شدند. چه کسی در پس این کشتار بود و چرا؟ برنستن می گوید: «بلافاصله گمان ها متوجه حزب الله شد.» چرا حزب الله؟ زیرا این گروه در گذشته نیز به اهداف آمریکایی حمله کرده بود. اما سازمان سیا که از این حمله شگفت زده شده بود دست به کار شد و دو تیم تحقیقاتی به آفریقا اعزام شدند. رهبری تیم تحقیقاتی تانزانیا با برنستن بود. او در توصیف حجم ویرانی ها می گوید: «همه چیز ویران شده بود. صحبت کردم. او در ابتدا به این درخواست من تمایل نشان داد.» پس از حملات موشکی آمریکا شاهزاده ترکی الفیصل بار دیگر با ملاعمر دیدار کرد. او می گوید: «من بار دیگر به قندهار فرستاده شدم تا وعده ملاعمر را به یادش بیاورم. ولی وقتی این کار را کردم این بار ملاعمر وعده خود را به کلی انکار کرد.» وحید مژده در فاصله ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ در پیشاور با بن لادن دیدار داشته است. او در دهه ۱۹۹۰ در وزارت امور خارجه دولت طالبان مشغول به کار بود. او در نخستین گفت وگوی خود با یک تلویزیون غربی (سی ان ان) در مورد اینکه چگونه بن لادن حمایت طالبان را به دست آورد، می گوید: «اسامه می دانست که طالبان به چه چیزی نیاز دارد. یک دولت اسلامی مبتنی بر شریعت اسلامی مستقر کنند.» در سال ۱۹۸۸ که او هنوز در ارتش آمریکا خدمت می کرد به یک سفر غیرمجاز به افغانستان رفت و به جنگ علیه روس ها پیوست که پیشاپیش توسط شبه نظامیان افغان و مجاهدینی نظیر اسامه بن لادن آغاز شده بود. با این حال سال بعد او محترمانه از ارتش آمریکا اخراج شد. پیتر برگن می گوید: «علی محمد شخصیت بسیار جالبی داشت و شبیه یک جاسوس دوجانبه عمل می کرد. یعنی در حالی که مامور آمریکا بود و در پایگاه نیروهای ویژه آمریکا در کارولینا کار می کرد، همزمان با القاعده نیز روابط صمیمی پیدا کرده بود و محافظان بن لادن را آموزش می داد.» دان کولمن مامور سابق اف بی آی می گوید: «علی محمد از سال ۱۹۹۳ که برای سفارت آمریکا در نایروبی کار می کرد همزمان پنج سال تمام مخفیانه مشغول طراحی عملیات بود.» علی محمد خود نیز در دادگاه آمریکا چنین می گوید: «بن لادن اسناد و عکس هایی را که تهیه کرده بودم مرور کرد. بن لادن به تصویر سفارت آمریکا نگاه کرد تا ببیند که یک کامیون حامل یک بمب گذار انتحاری به کدام نقطه می تواند هدایت شود.» تقریباً دو هفته پس از انفجارهای آفریقا، دولت آمریکا با توسل به نیروی نظامی به این حملات پاسخ گفت. بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: «امروز به نیروهای مسلح دستور دادم مراکز مرتبط با تروریست ها در افغانستان و سودان را بمباران کنند.» در افغانستان هدف حملات آمریکا شخص بن لادن بود ولی تیر آنها به خطا رفت. ابوجندل یکی از محافظان بن لادن در افغانستان بود. او در یک مصاحبه نادر با روزنامه القدس العربی چگونگی نجات بن لادن از حمله آمریکا در شهر خوست را توصیف کرد. او می گوید: «به خاطر دارم وقتی که ما به دوراهی خوست و کابل رسیدیم، بن لادن به من نگاه کرد و گفت: ابوجندل! فکر می کنی به کجا باید برویم. به خوست یا به کابل؟ من گفتم بگذارید برای دیدن رفقا به کابل برویم.» این تصمیم اتفاقی در واقع زندگی بن لادن را نجات داد. همزمان با حمله موشکی آمریکا شاهزاده ترکی الفیصل رئیس اطلاعات سعودی بر دولت افغانستان فشار می آورد تا بن لادن را به عربستان تحویل دهد. او می گوید: «من در ماه ژوئن ۹۸ به آنجا رفتم و با ملاعمر صحبت کردم. او در ابتدا به این درخواست من تمایل نشان داد.» پس از حملات موشکی آمریکا شاهزاده ترکی الفیصل بار دیگر با ملاعمر دیدار کرد. او می گوید: «من بار دیگر به قندهار فرستاده شدم تا وعده ملاعمر را به یادش بیاورم. ولی وقتی این کار را کردم این بار ملاعمر وعده خود را به کلی انکار کرد.» وحید مژده در فاصله ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ در پیشاور با بن لادن دیدار داشته است. او در دهه ۱۹۹۰ در وزارت امور خارجه دولت طالبان مشغول به کار بود. او در نخستین گفت وگوی خود با یک تلویزیون غربی (سی ان ان) در مورد اینکه چگونه بن لادن حمایت طالبان را به دست آورد، می گوید: «اسامه می دانست که طالبان به چه چیزی نیاز دارد.

ادامه در صفحه ۹

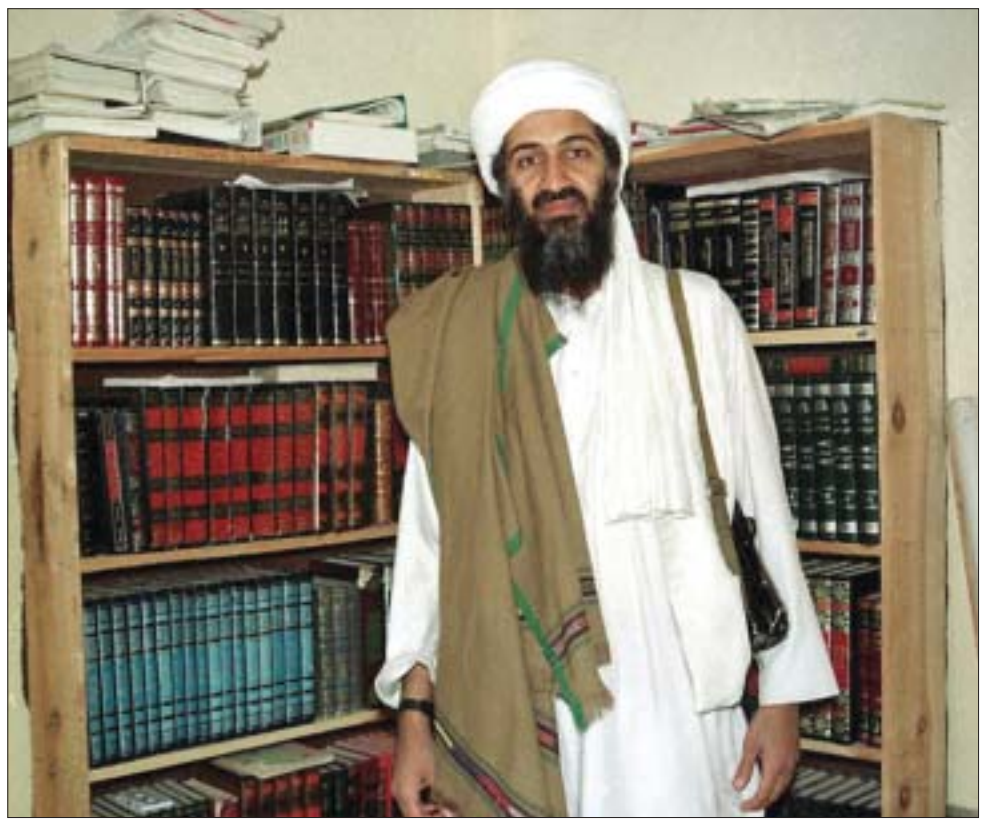

خلاصه مطلب

بن لادن در نامه ای سرگشاده به ملک فهد احساس درونی و واقعی خود را ابراز کرد. در این نامه او با فاسد نامیدن خاندان سعودی، آنها را محکوم کرد. او همچنین فراخوان داد که حملاتی برای وادار کردن نیروهای آمریکایی به ترک عربستان صورت گیرد. سخنان بن لادن گوش شنوا یافت و مدت زمان طولانی از بیانیه او نگذشته بود که تروریست ها با بمب کارگذاشته شده ای در یک اتومبیل، یکی از مراکز نظامی مشترک آمریکا و عربستان در ریاض را هدف حمله قرار دادند. در این انفجار ۵ آمریکایی کشته شدند.

خبرها

بلر سال آینده کناره گیری می کند

بی بی سی: به عقیده برخی از نزدیک ترین همکاران تونی بلر نخست وزیر بریتانیا ظرف یک سال آینده از سمت خود کناره می گیرد. هیلری آرمسترانگ از وزرای برجسته کابینه گفت: تونی بلر پس از کنفرانس حزب کارگر در سال ۲۰۰۷ پست خود را ترک می کند. ۱۷ نماینده حزب کارگر در پارلمان که از حامیان بلر بوده اند در نامه ای از او خواسته اند که به خاطر پایان دادن به ابهامات موجود از کار خود کناره گیری کند. تام واتسون وزیر دولت در امور دفاعی و چهار مدیر دولتی نیز نامه مزبور را امضا کرده اند. اعلام جدول زمانی برای کناره گیری بلر به انتقاد از او شدت خواهد بخشید زیرا نشانه ضعف و عقب نشینی تلقی می شود. روزنامه سان روز چهارشنبه نوشت که بلر روز ۳۱ مه سال آینده از رهبری حزب کارگر کناره می گیرد. بنابراین او روز ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۷ از مقام نخست وزیری کنار می رود. دفتر نخست وزیر درباره این گمانه زنی ها نظری ابراز نکرده است.

۷۶ میلیون ضرر خطوط هوایی انگلیس

فارس: شرکت خطوط هوایی انگلیس اعلام کرد در ماجرای اعلام شده بمب گذاری در ده خط پروازی انگلیس در ماه گذشته این شرکت حدود ۷۶ میلیون دلار ضرر کرده است. به گزارش آسوشیتدپرس ماه گذشته شرکت هوایی انگلیس حدود هزار و ۲۸۰ پرواز خود را لغو کرد و مجبور شد بابت لغو شدن هتل مسافران و همچنین بازگرداندن چمدان مسافران هزینه هایی را بپردازد. این شرکت هوایی در بیانیه ای اعلام کرد، سطح رزرو بلیت در این شرکت پایین تر از چند ماه قبل است. شرکت هوایی انگلیس اولین شرکت هوایی است که میزان خسارات خود را در ماجرای ماه گذشته اعلام می کند. پلیس انگلیس ماه گذشته اعلام کرد عملیات بمب گذاری در ده خط پروازی انگلیس را خنثی کرده است که این مسئله باعث شد برای مدتی بسیاری از پروازهای فرودگاه انگلیس لغو شوند. هر چند وضعیت فرودگاه به حال عادی بازگشته است اما هنوز محدودیت هایی مثل حمل مایحتاج توسط مسافران به قوت خود باقی است. این در حالی است که اصل خبر بمب گذاری در خطوط پروازی انگلیس هنوز محل شک و تردید است.

طرح جمهوریخواهان برای محاکمه مظنونان تروریستی

مهر: سناتورهای جمهوریخواه آمریکا پیش نویس یک طرح قانونی را برای محاکمه نظامی مظنونان تروریستی تهیه کرده اند که با طرح کنونی دولت بوش متفاوت است. به گزارش واشینگتن پست مقام های دولت آمریکا اعلام کردند: جمهوریخواهان در پیش نویس قانونی خود برای مظنونان تروریستی حقوقی را در نظر می گیرند که کاخ سفید مانع آن می شود. براساس این طرح آینده محاکمه نظامی نزدیک به ۲۰۰ بازداشت شده واجد شرایط آمریکا که در زندان گوانتانامو و دیگر مراکز بازداشت جهان بازداشت هستند، تحت کنترل قانونی قرار می گیرد که به وضوح این اطمینان را می دهد که متهمان حق دارند بدانند مدرک علیه آنها چیست. دولت بوش از دیرباز مدعی بوده که به هیچ قانونی برای ایجاد یک سیستم از کمیسیون های نظامی برای محاکمه مظنونان تروریستی نیاز نیست.

وعده یانوکوویچ برای شفاف سازی

ایسنا: ویکتور یانوکوویچ قریب به دو سال پس از شکست «انقلاب نارنجی» به دفتر نخست وزیری اوکراین بازگشت و متعهد شد اصلاحات را سریع تر به اجرا گذارد اما رهبر اصلی مخالفان با رد وعده های وی این اظهارات را پوچ و بی معنی خواند. به گزارش رویترز یانوکوویچ در اولین جلسه پارلمان از زمان انتصابش اعلام کرد که دولت وی اوکراین را به مکانی قابل اعتماد برای سرمایه گذاران خارجی تبدیل می کند. وی به پارلمان گفت: ما یک فضای سرمایه گذاری شفاف خلق می کنیم. ما یک سیاست مالیاتی شفاف و واقعی تشکیل می دهیم. دولت وی همچنان به سیاست های یوشچنکو برای الحاق سریع به اروپا متعهد است اما روابط خوب با روسیه نیز برای ممانعت از تکرار «مناقشات سال جدید» که در عرضه گاز روسیه به اروپا خلل ایجاد کرد، ضروری به نظر می رسد. یانوکوویچ گفت: اظهارنظرها در خصوص الحاق اوکراین به اروپا باید کنار گذاشته شود. ما نباید جهان را متقاعد کنیم که کشوری مستثنی هستیم. ما باید به سختی در جهت حفظ منافعمان کار کنیم؛ همان طور که رئیس جمهور گفته ما باید پیروز شویم. قدرت و اختیارات یوشچنکو بر اساس تغییرات توافق شده در قانون اساسی در خلال اعتراضات نارنجی در سال ۲۰۰۴ کاهش یافته است.